

قدیر نصری مشکینی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی

۱۳۷۸

دردانشگاه تربیت مدرس

جمعیت و امنیت؛

امکانات و موانع پیدایش دولت کردی در منطقه خاورمیانه

فهرست

مقدمه

۱۵۸

الف - ضرورت و فوریت شناخت وضعیت گروه‌های جمعیتی متمایز

۱۶۰

ب - توزیع کرده‌های خاورمیانه

۱۶۱

ج - کرده‌های ایران، واقعیت‌های منطقه‌ای و امنیت ملی

۱۶۵

د - زمینه‌های امکان و امتناع ایجاد دولت مستقل کردستان

۱۶۸

نتیجه‌گیری

۱۷۴

یادداشت

۱۸۲

فصلنامه مطالعات راهبردی

شماره ۵ و ۶ پاییز و زمستان

چکیده

نوشتار حاضر در مقام پاسخ به این سؤال است که تأسیس دولت مستقل کرد تا چه میزان می تواند مطابق با امکانات و شرایط منطقه ای باشد و در صورت وقوع چنین پدیده ای، تأثیرات امنیتی آن برای ایران چه خواهد بود؟ در پاسخ ضمن بررسی ابعاد داخلی، منطقه ای و جهانی این موضوع، ویژگیهای منحصر به فرد ایران از حیث سابقه فرهنگی و سیاسی اجتماعی کردهای ایران به تحلیل گذارده شده و در نهایت به این نتیجه رسیده که علی رغم تمام همبستگیهای موجود بین کردها و دولت مرکزی، احتمال خطر از این ناحیه چشمگیر بوده، سیاستهای جبرانی باید پیشاپیش اندیشیده شوند.

مقدمه

" هرگز با قیام بازی نکنید، مگر اینکه کاملاً آماده باشید با نتایجی که عمل شما به بار خواهد آورد روبرو شوید. قیام مانند معادلات جبری مقادیر نامعینی اتخاذ می کند که ارزش آن هر روز در معرض تغییر قرار دارد." (۱)

مارکس و انگلس، انقلاب و ضدانقلاب در آلمان

ناهمگنی^۱ قومی، دینی و اقتصادی، ویژگی ساختی عموم کشورهای جهان سوم، به خصوص خاورمیانه می باشد. البته این دآوری، به مفهوم تصدیق همسانی کشورهای پیشرفته نیست. به تعبیر اوکانر از مجموع ۱۳۲ ملت - کشور موجود (۱۹۷۲) فقط دوازده تای آن (۹/۱ درصد) به طور قطع از نظر قومی همگن بوده اند. (۲) این نسبت با گذشت زمان تشدید هم گردیده است و در دهه ۱۹۹۰ حدود ۹۵ درصد از مجموع ۱۸۰ ملت - کشور دنیا از ساخت ناهمگونی برخوردار بوده اند. (۳) منتهی نکته قابل تأمل این است که در کشورهای پیشرفته، وجود شکافهای گوناگون، خاصیت هم افزا ندارند بلکه تمایزهای موجود، همدیگر را تعدیل می کنند، از این رو پیامد امنیتی مهمی ندارند. در حالی که جنگ قومیتها و استفاده از خرده فرهنگها و اقلیتهای موجود در جهان سوم به ویژه خاورمیانه، فصل مهمی از تاریخ درگیریهای این ملتها را نشان می دهد. واقعیت موجود با فرآیند نوین غلبه گفتمان خودگردانی و با استقلال جویی همه اقوام به جای استیلاجویی یک قوم، عملاً به مسأله ای^۲ امنیتی تبدیل گردیده و در بسیاری موارد تمامیت ارضی واحدهای مختلف سیاسی را تهدید می نماید.

۲.

۱. Heterogeneity
Problematic

به هر علت و شرایط، کشور ما نیز کشوری است متشکل از اقوام مختلف که عناصر و مؤلفه های متفاوتی بین آنها و دولت مرکزی پیوند یا گسست ایجاد کرده و احساس قومی در میان طیف وسیعی از جمعیت کشور، کتمان ناپذیر است. آنها در خارج از مرزهای ایران، ایرانی هستند لیکن به نظر می رسد در داخل مرزها به همان اندازه که ایرانی هستند دارای تعلق خاص قومی یا مذهبی هم می باشند.

تحقیق حاضر به تبیین نسبت امنیت ملی با جمعیت کرد می پردازد و در صدد پاسخ بدین پرسش اساسی است که تحقق یک دولت مستقل کرد که به نحوی امنیت ملی ایران را متأثر می سازد با چه امکان یا بازدارنده هایی رویاروست؟ به عبارت دیگر با توجه به مقدمات پیش گفته و شرایط نوظهور در منطقه خاورمیانه، جمهوری اسلامی ایران تا چه اندازه در مقابل یک خیزش از نوع کردی آسیب ناپذیر است؟ در پرتو پردازش زمینه مربوط به پرسش اصلی، به سؤالات فرعی دیگری نیز پرداخته می شود از جمله اینکه جمعیت کرد ایران و سایر کشورهای منطقه از چه قوت و ضعفهایی برخوردارند که تلاشهای آنان را به طور خودکار، یک مقوله امنیتی جلوه می دهد؟ آیا مطالعه موردی این موضع در یک محدوده خاص مثلاً ایران امکان ناپذیر است یا نه؟ راهکار اساسی ساماندهی این مسأله امنیتی با توجه به سیطره خوانش (قرائت) و گفتمانهای جدید امنیت و تحول موضوع و منطقه کلاسیک قدرت کدام است؟

فرضیه هایی که در مقام پاسخ به پرسش اصلی پیش گفته، به آزمون نهاده می شوند عبارتند از:

۱) احساس خطر امنیتی جمهوری اسلامی ایران از ناحیه مسأله کردستان بیش و پیش از آسیب پذیری داخلی به تهدید خارجی مربوط می شود. به عبارت روشن تر، اگر خطر امنیتی را مساوی با آسیب پذیری داخلی به اضافه تهدید خارجی بدانیم، موضوع کردستان ایران با تهدید خارجی، ربط وثیق تری دارد تا آسیب پذیری داخلی.

۲) تداوم و فرجام منطقی فرضیه اول این است که سیر تحول نقش آفرینی کردهای ایران، تابعی از وضعیت کردهای ساکن کشورهای همسایه یعنی ترکیه و عراق و یا طرح خواسته های قدرتهای بزرگ و فرامنطقه ای است. در صورت فقدان فرآیند مذکور، عمل جذب، ادغام و تلفیق تمایزهای موجود از طریق تقویت و تزریق مؤلفه های وحدت بخش، با موانع کمتری امکان پذیر است.

۳) جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با سایر کشورهایی که دارای جمعیت قابل توجهی از کردها هستند، در فرآیند ادغام و توسعه اجتماعی اقوام و خرده فرهنگهای موجود، به مراتب با مشکلات و موانع کمتری روبروست؛ این وضعیت بسته به "گفتمان مسلط سیاسی" دیگرگونه می گردد؛ بدین صورت که اگر شیوه هدایت و تدبیر عمومی، "مذهب محور" باشد یا "ملیت محور"، درجه افتراق و اشتراک مرکز با حاشیه ها (در این فرضیه مشخصا کردستان) قبض و بسط می پذیرد.

الف - ضرورت و فوریت شناخت وضعیت گروههای جمعیتی متمایز

همان گونه که گفته شد تعداد کشورهایی که از لحاظ ساخت جمعیتی کاملاً همگن هستند، انگشت شمارند. به تعبیر هابز باثوم اصولاً اداره کشور به وسیله یک قوم نه میسر است و نه مطلوب؛ (۴) از این رو کندوکاو درباره عوامل ایجاد بحران قومی - ملی و تدوین راهبرد پیشگیری و جلوگیری از تکرار موارد مشابه، ضرورتی است گریزناپذیر. به دنبال دستگیری عبدالله اوجلان در کنیا و به دست کماندوهای ترکیه (با همکاری سرویسهای اطلاعاتی موساد و سیا) موجی از قیام کردها، سراسر دنیا را دربر گرفت. (۵) در این میان کردهای ساکن اروپا، سر به شورش برداشته و به سفارتخانه های یونان، آمریکا، اسرائیل و ترکیه حمله کردند؛ ناآرامیهای هم در تهران و برخی شهرهای کردنشین ایران نیز رخ داد. مردم ارومیه طی یک راهپیمایی خواهان آزادی اوجلان شدند؛ (۶) پنج هزار کرد در تهران در مقابل سفارتخانه ترکیه و دفتر نمایندگی سازمان ملل، تجمع اعتراض آمیزی برگزار کرده و همکاری آمریکا، اسرائیل و ترکیه را در دستگیری اوجلان محکوم ساختند. (۷) نماینده یکی از شهرهای کردنشین در مجلس شورای اسلامی خواستار اعطای پناهندگی سیاسی دولت ایران به اوجلان شد و شدت تظاهرات در سنندج به حدی رسید که قضیه با دخالت نیروهای انتظامی - امنیتی فیصله یافت و نماینده مردم سنندج در مجلس شورای اسلامی ابراز داشت که: تظاهرات عادی، یکباره از کنترل خارج شد و عناصر مشکوکی، تجمع آرام را به خشونت کشید. (۸) همچنین نماینده مذکور طی نطقی در مجلس شورای اسلامی خواهان تجدید نظر وزارت خارجه جمهوری اسلامی در رابطه با ترکیه شد و از مردم خواست با تحریم اجناس ساخت ترکیه، اعتراض خود را به دولت این کشور اعلام دارند. (۹)

رویدادهای پنهان و پیدای فوق، گویای قدرت احساس قومی - سیاسی در منطقه و وجود ضریب آسیب پذیری جمهوری اسلامی ایران در این زمینه است.

بدیهی است احتمال دارد همان گونه که از بروز یک رویداد منفی در ورای مرزها، ابراز ناخرسندی می شود که در جای خود امری غیرقابل پیشگیری است، امکان این هم وجود دارد که با پیدایش یک اجتماع رسمی از قومیتی خاص، این تشکیلات چون مغناطیسی کردهای منطقه را به گرد خود جمع آورد و ضمن به مشکل انداختن امنیت پایدار منطقه، سایر اقوام موجود را که چون موزاییکی سراسر ایران را دربر گرفته اند، تحریک نماید و بدین وسیله تمامیت ارضی، کشور، مشکله ای اساسی گردد. (جدول شماره ۱ و ۲) با عنایت به ضرورت مذکور، در این باره به تبیین امکانات و موانع فراروی کردها می پردازیم.

ب - توزیع کردها در خاورمیانه

همان گونه که در نقشه شماره ۳ و ۴ دیده می شود جمعیت چشمگیری از کردها در کشورهای چون ترکیه، عراق، سوریه، ایران، ارمنستان، ترکمنستان، آذربایجان، قزاقستان و لبنان زندگی می کنند. ملاحظه نحوه توزیع کردها در کشورهای مذکور بلافاصله این سؤال را مطرح می سازد که اگر کردهای استقلال طلب مستقل شوند امنیت منطقه ای چه مشکلی خواهد یافت؟ چرا که کردها پس از ترکها، عربها و فارسها، چهارمین جمعیت بزرگ منطقه هستند و از آنها همواره زیر عنوان "اقلیتی ناآرام" یاد شده است. (۱۰) گراهام فولر اذعان دارد که مسأله کردها بسیار پیچیده است و استقلال آنها پیامدهای سنگینی دارد چرا که: (۱۱)

۱) یک دولت کرد در عراق بخش اعظم میدانهای نفتی این کشور را تصاحب خواهد کرد.
۲) برای ترکیه، یک دولت کرد به معنای از دست رفتن تقریباً تمامی قلمرو ترکیه جنوبی خواهد بود.

۳) دولت کرد اراضی کمتری از ایران خواهد داشت و این اراضی که در شمال غرب ایران قرار دارد گرچه پهناور است ولی از نظر اقتصادی، حاشیه ای محسوب می شود. لیکن آن چه برای ایران مهم جلوه می کند این است که جدایی کردها، ایران را با مسایل سایر اقوام جدایی طلب رویارو می سازد.

نکته مهمی که در سرنوشت فعلی کردها دخیل بوده است استقرار آنها در نقطه تلاقی سه حوزه فرهنگی و تمدنی آریایی (ایرانی)، سامی (عربی) و ترکی است. منطقه ای که به طور مشخص و انبوه محل زندگی کردهاست محل تقاطع رشته کوههای البرز -

زاگراس، توروس، قفقاز و کوهستانهای حواشی است، هر چند بیشتر کردها در عمق رشته کوههای زاگرس (در ایران) و توروس (در آناتولی شرقی ترکیه) زندگی می کنند.

در مورد وسعت کل مناطق کردنشین در خاورمیانه، اختلاف نظر وجود دارد. قاسملو مساحت تقریبی این مناطق را ۶۵۰ / ۴۰۹ کیلومتر مربع ذکر می کند و گراهام پژوهشگر غربی، آنرا ۵۰۰/۰۰۰ کیلومتر مربع می داند. (۱۲) در مورد جمعیت کردها نیز رقم دقیقی ذکر نشده است ولی جمعیت را می توان با مشکل و انحراف کمتری نسبت به وسعت مناطق کردنشین خاورمیانه برآورد کرد. محققانی چون لیزر^۱ و گراهام تعداد کردهای خاورمیانه را بیش از ۲۵ میلیون نفر و برخی نخبگان کرد از جمله شخص اوجالان در جریان آخرین گفتگوهایش در ایتالیا، تعداد کردها را حدود ۲۰ میلیون نفر ذکر کرده اند. (۱۳) پژوهشگر دیگری، مجموع کردهای ساکن ترکیه، ایران، عراق، سوریه و جمهوریهای شوروی سابق را ۲۵/۴ میلیون نفر (برای سال ۱۹۹۰) و ۳۵ /۱ میلیون نفر (برای سال ۲۰۰۰) برآورد کرده و به نقل از مهرداد ایزدی پژوهشگر دیگر کردستان، از رشد بالای جمعیت کردی (حدود ۳/۶۵ درصد) خبر داده است و اذعان نموده که با آهنگ فعلی طی دو نسل آتی، احتمال دارد تعداد جمعیت کرد ترکیه از تعداد ترکهای این کشور پیشی بگیرد. (۱۴) سعیده لطفیان نیز در پژوهشی تحت عنوان "جمعیت کرد: از خودمختاری تا همزیستی" ۲۰ درصد جمعیت عراق، ۱۷ درصد جمعیت ترکیه، ۹ درصد جمعیت ایران و یک درصد جمعیت لبنان را کرد برآورد کرده و جمعیت کرد کشورهای سوریه و جمهوری آذربایجان را کمتر از ۳ میلیون نفر ذکر نموده است. حاصل جمع درصدهای فوق گویای وجود جمعیت حداقل ۲۴ میلیون نفری کرد در کشورهای ترکیه، ایران، سوریه، عراق و جمهوریهای شوروی سابق است که در مساحتی متجاوز از ۴۰۰ هزار کیلومتر مربع پراکنده اند. (۱۵)

ابهام و اغتشاشی که در خصوص وسعت منطقه زندگی و تعداد جمعیت کردها در خاورمیانه وجود داشت در مورد زبان و نژاد آنها هم صادق است. برخی پژوهشگران زبان و نژاد کردها را فارسی و آریایی دانسته اند و در این مسیر تا حد زیادی ره به افراط پیموده و نوشته اند: "اگر زبان فارسی به یکباره محو و نابود شود می توان آن را از روی واژه های ایرانی خالص که همان زبان کردی است، دوباره زنده نمود." (۱۶) با این حال محققان دیگری این داوری افراطی را تعدیل کرده اند. حمید احمدی در این خصوص می نویسد:

1. Laizer

" زبان کردی عامل مهمی است که به کردها هویت خاصی می دهد و از جمله موارد نادری است که کردها در آن تجربه مشترک دارند. زبان کردی از شعبات فرعی شاخه فارسی زبانهای ایرانی است که همانند سایر زبانهای ایرانی در افغانستان، بلوچستان و تاجیکستان ریشه هند و اروپایی دارد. علی رغم شباهتهای زبان کردی به فارسی، ایرانیان فارسی زبان کنونی، کردی را نمی فهمند. یکی از ویژگیهای زبان کردی، فراوانی کلمه های پهلوی و پارسی در آن است. به گفته هرودوت، مورخ یونانی، در دوران باستان، کردی و فارسی متقابلاً برای گویندگان آنها قابل فهم بود." (۱۷)

از این رو می توان گفت که تعدد گویشها و تأثیرپذیری آنها از محیط اطراف به اضافه دور شدن زبان فارسی کنونی از ریشه پهلوی و اصیل آن وضعیتی را فراهم آورده که در آن زبان کردی برای فارسی زبانهای قابل فهم نمی باشد. این تحول گویشی به اعتقاد مهرداد ایزدی ما را وامی دارد اذعان کنیم که به جای یک زبان واحد و سراسری کردی می توان از زبانهای کردی یاد نمود. هر چند ممکن است این قضاوت، برخی ملی گرایان لاییک کرد را ناخشنود سازد. (۱۸) مجدداً تأکید می شود که تعدد شعبات زبان کردی و غیرقابل فهم بودن آن برای فارسی زبانها به معنی بی ارتباطی زبان کردی با فارسی نیست بلکه به گفته ارنسکی زبانشناس روسی، ناشی از گویشهای کردی است که چنان از هم متفاوت اند که زبانی مستقل را تداعی می کنند و این تفاوت ناشی از تأثیر گویشها در همدیگر، استخدام کلمات بیگانه و استفاده از حروف لاتین و عربی - فارسی در سرزمینهای مختلفی است که در آنها به کردی تکلم می شود. (۱۹)

در باب نژاد کردها نیز دو نظریه متمایز وجود دارد. براساس یک دیدگاه اسطوره ای که در شاهنامه فردوسی هم آمده است، کردها اعقاب جوانی هستند که قرار بود مغزش طعمه ضحاک ماردوش بشود ولی مأمور تغذیه مارها، روزی به جای مغز یک جوان، مغز گوسفندی را به ضحاک داد و آن جوان به کوهستان پناه برد و کردها اخلاف این جوان به شمار می آیند. (۲۰) براساس دیدگاه مدرن که ابداعی شرق شناسان است، کردها اعقاب مادها هستند که همراه فارسها و پارتها به داخل فلات ایران کوچ کرده اند. مادها در شمال غرب و غرب (آذربایجان، کردستان و کرمانشاه)، فارسها در جنوب و مرکز ایران و پارتها در شرق سرزمینی که بعدها ایران نامیده شد استقرار یافتند و کردها به اتفاق سایر اقوام ایفاگر نقش برجسته ای در تکوین و تدوام حیات امپراتوری ایران به ویژه در مسایل نظامی ایفاگر گشتند.

درگذر زمان و با فروپاشی ایران و عثمانی، حدوث جنگهای گوناگون بین دو امپراتوری مذکور و نهایتاً ورود استعمارگران به منطقه، تقسیم بندی کردها صورتی عینی به خود گرفت و کردهای ساکن هر کدام از کشورهای منطقه، در وضعیت متفاوتی واقع گردیدند. تلاش برای ایجاد "کردستان بزرگ" متشکل از کردهای منطقه، تاریخ پرفراز و نشیبی دارد و مبارزات کنونی کردها برای استقلال که مهمترین آنها "حزب کارگران کرد" (K.P.K.) به رهبری عبدالله اوجلان است، پس از قیام شیخ عبدالله در سال ۱۸۸۰، شیخ سعید در سال ۱۹۲۵ و قاضی محمد در سال ۱۹۴۷، چهارمین نهضت مهم کردی در منطقه است که فعالیت خود را از سال ۱۹۸۴ با حمله به یک پایگاه ارتش ترکیه آغاز کرد. (۲۱)

اوجلان در آغاز عملیات خویش (۱۹۸۴) ایده تأسیس کشور بزرگ کردستان را در سر داشت ولی در اوایل دهه ۱۹۹۰، وی با ملاحظه موانع منطقه ای، بین المللی، خصوصیات جامعه شناختی و دموکراتیک مناطق کردنشین، با تغییر راهبرد خود خواهان خودمختاری و اعاده حقوق فرهنگی کردها شد. عبدالله اوجلان با تمام رهبران کردی که تاکنون مبارزه کرده اند تفاوتی عمده داشته و آن این که ضمن بهره برداری از شکافهای موجود بین همسایگان کردها، فریب هیچ حکومت خارجی را نخورده و نسبت خاصی با خاندانهای متنفذ و فئودال کردستان نداشته و کوشیده است با رهیافتی نوگرایانه، ایده های ناسیونالیستی - مارکسیستی خود را صورت تحقق بخشد.

اوجلان بر آن بود تا جمعیت پخش و پراکنده کردها را در سراسر دنیا تحت پرچم واحدی گرد آورد و بدین وسیله به افتراق و جنگهای طولانی چریکی خاتمه دهد. او در گفتگو با یالچین کوچوک همچون دیگر رهبران انقلابی و چریکهای مبارز، خود را هنرمندی دانسته که در پی زیبا کردن زندگی است. او می گوید: من جنگجوی راه زیبایی و غیرتم. (۲۲) به اعتقاد او سیاست باید در خدمت انسانیت باشد و انسانیت زنده نخواهد شد مگر این که سیاست با صداقت تلفیق شود، انسانیتی که او، مبارزه خود را برای نجات آن قلمداد می کند نه فقط مردم کرد. اوجلان می گوید که او در پی آفرینش انسان کرد تازه ای است و این کار را از زیر صفر در ترکیه آغاز نموده است؛ چرا که این کشور با سیاستهای ضدانسانی اش، حقوق دولت و ملت کرد را پایمال کرده است. (۲۳) فعالیتهای عبدالله اوجلان در خلاء انجام نمی گرفت؛ وی در بستری تلاش خود را آغاز کرد که موانع خاص خود را داشت. پیش از شناخت این موانع، ابتدا مسایل و مشکلات مهم کردها را با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران بررسی می کنیم تا میزان تأثیرگذاری قیام رهبرانی چون عبدالله اوجلان بر امنیت داخلی و منطقه ای تا حدودی شفاف شود.

ج - کردهای ایران؛ واقعیت‌های منطقه ای و امنیت ملی

کردها بزرگترین اقلیت خاورمیانه و دومین اقلیت ایران هستند. اغلب کردهای ایران در سه استان کردستان، آذربایجان غربی و کرمانشاه زندگی می کنند؛ البته در برخی مناطق دیگر از جمله استانهای لرستان، ایلام، خراسان، گیلان و حتی قزوین، جمعیتی از کردها ساکن دارند که به اجبار در زمان شاه عباس صفوی از کردستان به این مناطق کوچ داده شده اند. (۲۴) استان کردستان مهمترین و بزرگترین منطقه کردنشین ایران و با ۲۸۸۱۷ کیلومتر مربع وسعت، حدود ۳۸۳ / ۳۶۴ / ۱ نفر جمعیت دارد. (سرشماری سال ۱۳۷۵) برآورد تعداد دقیق کردهای استانهای آذربایجان غربی (با ۳۲۰ / ۴۹۶ / ۲ نفر جمعیت)، کرمانشاه (با ۵۹۶ / ۷۷۸ / ۱ نفر جمعیت)، لرستان (با ۴۳۴ / ۵۸۴ / ۱ نفر جمعیت) و ایلام (با ۸۸۶ / ۴۸۷ / ۱ نفر جمعیت)، بسیار مشکل است. (۲۵) اما مطابق آخرین و کم خطاترین برآوردها، کردها به طور کلی ۴ / ۵ میلیون نفر جمعیت دارند که ۹ درصد کل جمعیت ایران را دربرمی گیرد. (۲۶) اغلب آنها همان گونه که گفته شد در استان کردستان سکونت دارند که با ۲۸۸۱۷ کیلومتر مربع وسعت، ۱/۷ درصد وسعت ایران را دربر می گیرد. مساحت استان کردستان حدود ده برابر کشور لوکزامبورگ است این وسعت مناسب، در کنار پیشینه مبارزاتی آن هر چند هم که با دخالت عوامل خارجی (عمدتا مارکسیستی) صورت گرفته باشد به اضافه وجهه بین المللی یافتن مسأله کردها، تحركات مختلف را صبغه ای امنیتی می بخشد.

جمعیت کردستان حدود ۲/۱ درصد کل جمعیت ایران است و تراکم آن ۳/۶ نفر در هر کیلومتر مربع می باشد و از این لحاظ در بین ۲۴ استان کشور (منهای استانهای تازه تأسیس اردبیل، قم، قزوین و گلستان) مقام دوازدهم را داراست. مرکز این استان شهر سنندج است که حدود ۳۸/۸ درصد جمعیت استان در آن شهر سکونت دارند. براساس آخرین تقسیمات کشوری، استان کردستان شامل ۱۲ شهر، ۸ شهرستان، ۲۳ بخش و ۷۹ دهستان می باشد و از ۳۸۳/۳۶۶/۱ نفر کل جمعیت استان، ۷۰۵/۷۱۵ نفر یعنی حدود ۴۸ درصد شهرنشین و ۶۴۰۶۶۸ نفر یعنی حدود ۴۵ درصد جمعیت استان در مناطق روستایی زندگی می کنند. (۲۷) در حال حاضر اغلب جمعیت کردستان در ۱۰ شهر و حدود ۷۶ روستا به سر می برند و با وجود مهاجرت‌های گسترده، رقم جمعیت روستانشین قابل توجه است.

استان کردستان یکی از استانهای حاصلخیز ایران است، به خصوص کوهستانهای شمالی این استان منبع تأمین علوفه و غلات قابل توجهی است. علاوه بر این، رودخانه های متعددی در استان کردستان جریان دارند و ظرفیت کشاورزی - صنعتی منطقه بسیار مطلوب است. در طول ۲۰ سال گذشته، حدود ۳۲/۰۰۰ هکتار از جنگلهای استان کردستان به مرتع و زمین کشاورزی تبدیل شده است. جهاد سازندگی اقدامات چشمگیری را برای جلوگیری از نابودی منابع طبیعی و زیست محیطی استان به عمل آورده ولی عواملی چون امنیت، حمل و نقل و هزینه تولید، همچنان مانع اصلی توسعه استان قلمداد می شود.

استاندارد زندگی در استان کردستان بنابه دلایل عدیده ای پایین است. حدود ۴ / ۵۹ درصد جمعیت استان با سواد هستند که در بین ۲۴ استان کشور مقام بیست و سوم را داراست یعنی فقط استان سیستان و بلوچستان است که با ۵۰ درصد باسواد، بعد از کردستان قرار می گیرد. میزان مرگ و میر در این استان ۱۸ به هزار است که مقام پنجم را در بین استانهای کشور داراست. برای هر هزار نفر در این استان، ۱۹ پزشک وجود دارد که مقام بیست و دوم را در سراسر کشور دارد و برای هر هزار نفر، یک تخت بیمارستان موجود است و از این لحاظ استان کردستان حائز رتبه پانزدهم است. البته آمار، جامعیت سرشماری و برآوردها ممکن است محل تردید باشد. (۲۸)

اگر ملت را مجموعه ای تعریف کنیم که "از لحاظ تاریخ، اصل و نسب (تبار)، تجمع، ایدئولوژی، زبان، سرزمین و مذهب اشتراک دارند" و اقلیت قومی را شامل گروهها و اقوامی بدانیم که در کشوری به سر می برند که دولت آن تحت سلطه قوم دیگری است، (۲۹) کردستان ایران یک منطقه اقلیت نشین به شمار می آید و در صورت فقدان انسجام داخلی، به راحتی از ناحیه تهدیدات خارجی، آسیب پذیر می باشد و حداقل تاریخ نیم قرن اخیر شاهد این مدعا است. توفیق نسبی شوروی سابق در کردستان، قیام سمیتقو، تشکیل جمهوری مهاباد، فعالیتهای احزاب دمکرات کردستان و کومله گویای این واقعیت است که، عنصر اساسی تحریک افکار و گرایشهای جدایی طلبانه در این منطقه تلاش قدرتهای خارجی بوده است و این تلاش جدایی خواهانه خارجی هنگامی قرین توفیق گردیده که گفتمان مسلط در مرکز، در صدد حذف تمایزهای ملی - مذهبی موجود بوده و به صورت آمرانه، قصد تسطیح عقیدتی و ملی را داشته است.

بنابراین در چنین شرایطی مؤلفه های شکاف خاصیتی هم افزا یافته و نهایتاً وحدت ملی را دچار مشکل ساخته است. با همه این توضیحات، خیزش اقلیتها و قیام آنها محدود به بافت قدرت مرکز و میزان هژمونی آن نیست بلکه متغیرهای دیگری نیز در این زمینه فعال هستند که به سه مورد آنها اشاره می شود: (۳۰)

۱) ظهور دولت مدرن

نفس پدیده دولت مدرن دربردارنده ویژگیهایی طبیعی است که با ساخت سنتی دولت متفاوت می نماید. دولت مدرن بیش و پیش از همه به آمریت همه جانبه می اندیشد؛ رضاشاه دقیقاً مجری چنین فرآیندی بود. او برای انحصاری کردن سازوکار و کار بست اجبار، تمام خوانین، ایلات، شاهکهای محلی و کانونهای مهم مقاومت در مقابل دولت مدرن رضاخانی را از بین برد و ساختار غیر متمرکز و ملوک الطوایفی حکومت فروپاشید.

در ابتدای این فرآیند، رضاخان دولت محمدشاه را در بلوچستان، اسماعیل آقا شکاک را در خراسان و شیخ خزعل را در خوزستان از بین برد. در زمان مزبور، پادگانهای جدید، دیوان سالاری مدرن و نظام آموزشی نوینی پا گرفت که نتیجه بلافصل آن خلع سلاح قدرتهای محلی بود. مجموعه این جریان موجب تراکم خواسته های پایگاههای پیشین قدرت و نفوذ گردید و آنها از مؤلفه های متمایز کننده نظیر قومیت، مذهب، سطح توسعه و غیره چونان ابزاری سیاسی برای مقابله با حکومت مرکزی استفاده کردند و شکافهای تاریخی موجود، یکباره چونان دستاویزی سیاسی به کار گرفته شدند و با سرنگونی رضاشاه فرصت ظهور یافتند.

۲) نخبگان سیاسی و فکری

سه گروه اساسی در صبغه سیاسی بخشیدن به شکافهای دینی - ملی زمان رضاشاه فعال بودند که عبارتند از: (۳۱)

الف) رؤسای ایلات و خوانین که بر اثر سیاستهای تمرکزگرایانه رضاشاه، قدرت خود را از دست داده بودند.

ب) نخبگان تحصیلکرده جدید که یا از وابستگان رؤسای ایلات بودند و یا به طبقه متوسط غیر ایلی تعلق داشتند.

ج) نخبگان غیر بومی فارسی زبان که به منظور تحصیل و تدارک منابع لازم برای مبارزه بر ضد دولت مرکزی، به مسایل زبانی و مذهبی دست یازیدند؛ مانند تحرکات نخبگان غیربومی چپ گرا در استانهای کردستان و بلوچستان.

۳) گفتمان مسلط در نظام بین الملل

قرن بیستم عرصه عمل دو ایدئولوژی مهم بین المللی بوده است، مارکسیسم و لیبرالیسم. هر دو ایدئولوژی مذکور در تحقق منویات خود، از شکافها و تمایزهای قومی بهره برده اند. مارکسیستها بر این عقیده بوده اند که با فروپاشی کشورهای چند مذهبی یا چند زبانی، می توان قطعات جدا شده را بر قطار مارکسیستی سوار نمود و لیبرالیستها بی میل نبوده اند که دشمنان خود را که اغلب امپراتوریهای بزرگ بوده اند، بشکنند و با بقایای امپراتوریهای بزرگی چون شوروی، عثمانی، اتریش و به چانه زنی پردازند. تسری "حقوق اقلیتها"ی لنین، ویلسون و یا شعار "حق خلقها در تعیین سرنوشت خود"، عواملی بوده اند که بر تمامیت ارضی کشورهای چند قومیتی تأثیر جدی نهاده اند.

از مجموع آن چه آمد مستفاد می شود که نفس تمایز به مثابه یک متغیر وابسته، همواره تالی و تابع نیت سیاسی بوده که جانب نخبگان سیاسی یا قدرتهای بین المللی مراد می شده و امروزه با وجود گسترش ارتباطات و دانش فنی به گستره و عمق تمایزها هم بذل توجه می شود و می توان گفت به اندازه جهانی شدن مفاهیم و موضوعات، سطح آگاهی و وجدان محلی و منطقه ای هم ارتقاء یافته است. جنگ قومیتها در افغانستان، یوگسلاوی، شوروی سابق و روسیه فعلی نمونههای عینی این مدعا به شمار می آید.

د - زمینه های امکان و امتناع ایجاد دولت مستقل کردستان

امروزه مسأله کردها به سؤالی بین المللی تبدیل شده است امری که طرح آن در ساخت جهانی، حاوی پیامدهای مثبتی برای کردها می باشد. اما بین المللی شدن یک مسأله، این پیامد منفی را هم دارد که ممکن است راهکار مهار یک بحران مطابق مقتضیات نیروهای بومی عرضه نشود. تنش بین ترکیه و اروپا بر سر مسایلی چون پذیرفته نشدن این کشور در اتحاد اروپا و موضوع اعدام عبدالله اوجالان نمونه عینی این پیچیدگی است.

اتحادیه اروپا سالهاست که ترکیه را پشت درهای کلوپ مسیحی اتحادیه اروپا نگه داشته و عملیتهای نظامی ارتش ترکیه بر ضد کردها، بازده پایین صنایع تولیدی ترکیه، وجود مجازات اعدام در قانون مجازاتهای ترکیه و مخالفت برخی اعضای اتحادیه اروپا، از علل آن به شمار می رود؛ تا این که در روزهای پایانی سال ۱۹۹۹، ترکیه طی یک عملیات برق آسا، عبدالله اوجالان را دستگیر و در دادگاه عالی ترکیه به اعدام محکوم کرد. ترکیه مطمئن بود که ابزار چانه زنی مهمی به دست آورده است که می تواند اتهام رعایت نکردن حقوق بشر را، بی اثر سازد. در این باره مذاکرات آشکار و پنهان برای لغو مجازات اعدام در ترکیه و موافقت اتحادیه اروپا با نامزدی عضویت ترکیه در این اتحادیه در آخرین نشست سران اروپا در قرن بیستم (اجلاس هلسینکی)، سرنوشت مبارزه کردها را حداقل برای میان مدت تحت شعاع خود قرار داد. کردها از یک طرف رهبر بزرگ خویش را در دام ترکها می بینند و از طرف دیگر در صورت عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، آنها حداکثر می توانند به بخشی از حقوق فرهنگی شهروندی خود نایل آیند و ایده تشکیل کردستان بزرگ که اوجالان آن را از ترکیه آغاز نموده بود، برای مدتی نه چندان معلوم به تأخیر می افتد. با این توضیح می توان زمینه های نامساعد برای عینیت یافتن دولت کردی را به شرح زیر برشمرد:

(۱) پراکندگی جغرافیایی کردها

کردهای منطقه خاورمیانه در شعاعی به مساحت بیش از ۴۰۰ هزار کیلومتر مربع پخش و پراکنده اند و همین ناهمگونی و قرابت سرزمینی، آنها را از داشتن پایگاهی واحد جهت هدایت امور، محروم می سازد. اوجالان این معضل را به خوبی شناخته بود و قصد داشت با تحصیل خودمختاری فرهنگی برای کردها، رهاسازی آنها از ترکیه را آغاز نماید. او همچون آدامز و عرفات واقف به این اصل مهم بود که کسانی که در جغرافیای طبیعی امروز جایگاهی نداشته باشند جایگاهی در جغرافیای سیاسی فردا نخواهند داشت.

برای تکوین و تدوام توفیق آمیز حیات یک ملت، صرف وجود قومیت یا علایق مذهبی مشترک کافی نیست و از پیش شرطهای تعیین کننده پیدایش یک ملت، ارتباط خود به خودی، پیوسته و فزاینده ساکنان یک سرزمین می باشد که با گذشت زمان، روحیه ناسیونالیستی آنها تقویت می گردد و علاقه به سرزمین از سایر علایق گذرا و عرضی متمایز می شود. (۳۲) نگاهی به توزیع جمعیت کرد در منطقه نشان می دهد که در کشور ترکیه یعنی مهمترین پایگاه و سرزمین کردها، آنها فاقد ارتباط مستمر و مستقل با همدیگر هستند. کردهای ترکیه اغلب در مناطق و شهرهای استانبول، دیاربکر، جیرزه، سیرناک،

ایدیل، سیلویی و به طور کلی در صفحات شرق و جنوب شرقی آناتولی در مرز مشترک با ایران، عراق و سوریه سکونت دارند.

اما ساکنان این مناطق بسیار محروم بوده و فاقد توان و ظرفیت سیاسی قومی برای کسب استقلال هستند. بنابه گزارش فیگارو حدود ۴۰ درصد از مردم دیاربکر ترکیه بیکارند و سطح زندگی آنها ۱۰ تا ۱۵ برابر پایین تر از استانبول و نواحی اطراف آن است. (۳۳) این ضعف با حملات پی در پی ارتش ترکیه تشدید شده است. گفتنی است یکی از تدابیر ارتش ترکیه برای سرکوبی کردها، ویران سازی روستاها و مناطقی است که مبارزان کرد در آن سکونت دارند، ارتش ترکیه هشدار داده است هر روستایی که پایگاه حمله کردها و اعضای P.K.K به ارتش این کشور قرار گیرد، با خاک یکسان خواهد شد و بر همین اصل، از ابتدای دهه ۱۹۹۰، حدود ۴۰۰۰ آبادی را ویران و خالی از سکنه ساخته است. شاهد دیگری که برای پراکندگی کردها می توان به آن استناد کرد، بررسی به عمل آمده در مورد فروش شماره اول یک هفته نامه کردی به نامه "روزنامه" است که نیمی از آن در خارج از مناطق کردنشین به فروش رفته است. این امر بیانگر پراکندگی حدود نیمی از جمعیت کردنشین ترکیه و یا ادغام اجتماعی اجباری آنها در مناطق ترک نشین است. استانبول بزرگترین شهر کردنشین ترکیه محسوب می شود و حدود ۸۰۰ هزار نفر کرد در آن شهر سکونت دارند. لیکن کردهای ساکن این قبیله شهرها "کردنجیب" خوانده می شوند و دارای تلاش عینی کمتری برای استقلال هستند.

پراکندگی جغرافیایی و فکری کردها در بقیه کشورها نیز وضعیت مشابهی دارد. (۳۴) در ایران نیز [چنان که آمد]، کردها در استانهای کردستان، آذربایجان غربی، کرمانشاه، لرستان، ایلام، خراسان و پراکنده اند. علاوه بر توزیع انسانی، آنها از لحاظ بافت مذهبی و توسعه اقتصادی نیز وضع متفاوتی دارند. قدرت اقلیت در هر کشوری معمولاً به تعداد جمعیت اقلیت، مساحت سرزمین، سطح توسعه اقتصادی و سهم اقلیت در ثروت ملی بستگی دارد. تعداد جمعیت کردها همچنین سرزمین محل سکونت آنها در ایران و کل منطقه قابل توجه است اما اختلافات دینی، سرزمینی و سطح توسعه اقتصادی مانع از انسجام آنها می شود. به گفته مهرداد ایزدی، کردهای استانهای کرمانشاه و خراسان رنگ و جلای ایرانی دارند و در چارچوب دولت مرکزی بیشتر قابل درک هستند تا یک فرهنگ پان کردی. (۳۵) ضمن این که اغلب کردهای کردستان سنی مذهب اند. این تمایز مذهبی موجب عنایت و توجه تاریخی کردهای سنی به تحولات مناطق سنی نشین و اساساً ترکیه گردیده است که وضعیت آن در سطور فوق بیان شد. به تعبیر لردکرزن، این اختلاف مذهبی بود که موجب گرایش شیخ عبیدالله به ترکان عثمانی در مقابل ایران شده بود. (۳۶)

کردهای عراق نیز وضعیت مشابهی دارند. آنها در شهرهای مهم و بزرگی چون موصل، سلیمانیه، اربیل، دهوک، عقره، زاخو و کرکوک سکونت دارند و به طور کلی ۱۸ درصد جمعیت عراق را به خود اختصاص داده اند. منطقه زندگی کردهای عراق از لحاظ آب و هوایی منطقه ای کوهستانی و معتدل است و درآمدهای گمرکی (سالانه دو میلیارد دلار)، واقع شدن در مسیر عبود خطوط لوله نفت و گاز و عبور یک سوم از رودخانه های دجله (۱۸۵۱ کیلومتر) و فرات (۲۶۹۶ کیلومتر) اهمیت و اعتبار استراتژیکی به آنها بخشیده است. اما آن چه مجموعه این امتیازها را بی اثر ساخته است همانا اختلافات درونی و گرایشهای درون ستیزانه است که به صورت آگاهانه، سنجیده و ناسنجیده صورت می گیرد. (۳۷)

۲) اختلافات درونی و فقدان انسجام سیاسی

با وجود اشتراک اغلب کردهای منطقه در نژاد، زبان و وضعیت نامساعد اقتصادی، انواع اختلافات قبیله ای و شخصی، وحدت پایدار آنها را به شدت آسیب پذیر ساخته است. به اعتقاد مایکل کالینزدان.

" کردها طایفه هایی سخت کوش و مبارزند؛ آنها رزمندگان خود را پیش مرگها می نامند. وجود یک چنین خصیصه هایی، حالتی نیمه فئودالی در میان قبایل کردی به وجود می آورد که در مجموع باعث کاهش میزان وفاداری و حتی قطع آن در جوامع بزرگتر می شود. وجود برخی خصیصه های فرهنگی و نیز اختلافات موجود در بینشهای سیاسی میان گروههای مختلف، باعث حمایت دولتهای موجود از گروههای مقابل می شود و رهبران کردها اغلب بازیچه ای بیش نیستند. حتی در منطقه ای که در حال حاضر مورد حمایت غرب قرار دارد، معجونی از عوامل نژادی، مذهبی، قبیله ای، فئودالی و اختلافات منطقه ای باعث ایجاد اختلاف در میان گروههای متعدد شده و آتش جنگ داخلی را پیوسته شعله ور نگه می دارد." (۳۸)

اختلافات موجود بین حزب کارگران کردستان (P.K.K) و حزب دمکرات کردستان عراق به رهبری بارزانی، تنش بین حزب دمکرات کردستان ایران و حزب دمکرات کردستان عراق، جنگهای طولانی حزب دمکرات کردستان عراق با اتحادیه میهنی کردستان عراق، همکاری فعالانه بین شاه سابق ایران و جلال طالبانی بر ضد رژیم صدام و بعدها تکرار همین همکاری بین سوریه و جلال طالبانی در برابر صدام پس از توافق ایران - عراق در قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، و همگی حاکی از شکاف عمیق بین گروههای کردی است که رهبری حدود ۲۵ میلیونی کرد خاورمیانه را عهده دار هستند.

برخی از این تعارضها زاده اختلافات شخصی و قبیله ای بوده و بخش مهم دیگر به مدیریت بازی قدرتهای خارجی مربوط می شود که از گروههای مختلف کرد، چونان ابزار چانه زنی برای کسب امتیاز و موقعیت بهره می برند. در حال حاضر هم آن چه اوجالان را به چهره ای افسانه ای تبدیل ساخته است، نداشتن ارتباط عملی با دولتهای خارجی است. اوجالان با زیرکی خاصی همواره مراقب بوده است که مورد معامله قرار نگیرد. او کوشیده است ضمن استفاده از فرصتهای مؤثر موجود، دست نشانده مطلق هیچ دولتی نباشد.

۳) متغیر نیروهای خارجی

کردهای ساکن در کشورهای ترکیه، عراق، سوریه و ایران همواره به مثابه "اقلیت ناامن" قلمداد شده اند. از بین چهار کشور مذکور، جمهوری اسلامی ایران با مسأله کردستان مشکلات کمتری داشته است چرا که کردها اساسا خود را آریایی و فارسی زبان می دانند و در تحقق راهبردهای ملی ایران، مشارکت جدی داشته اند. چنین وضعی قطعاً با شیوه برخورد دولتهای مختلف ترکیه و عراق با کردها متفاوت است. لیکن ایران نیز پس از جنگ جهانی دوم تجربه های ناخوشایندی از مسأله کردستان در حافظه خود دارد و همواره از کنشهای بیگانگان در مناطق کردنشین منطقه متأثر بوده است؛ حجم و عمق این تأثر ناشی از نیت متفاوت و بعضاً متعارضی است که قدرتهای خارجی پیگیری می کنند.

(۳۹)

از آن جا که پیدایش کشور مستقلی به نام "کردستان" با امنیت ملی و تمامیت ارضی چهار کشور مهم منطقه یعنی ایران، ترکیه، عراق و سوریه تباین دارد هر گاه که دامنه عمل کردها گسترش یافته و عمق پیدا کرده است چهار کشور مذکور همگرایی راهبردی پیشه کرده اند که ناشی از پیچیدگی مسأله کردستان است. در حال حاضر گفته می شود اسرائیل در پی اسکان بخشی از آوارگان فلسطینی در شمال عراق است، ترکیه با استفاده از موقعیت فراهم آمده از ضعف عراق، کشورهای عربی و همجواری آمریکا سیاست منسجمی را برای کشف و خلق ترکهای ساکن عراق و ترکانیزه کردن شمال عراق در

دست انجام دارد. (۴۰)

و اروپاییها نیز از اصل خودگردانی کردها حمایت می کنند. آمریکا در حال حاضر در اندیشه ایجاد بدیل متناسب عربی - کردی برای عراق پس از صدام است. هر کدام از کشورهای سوریه، ارمنستان و یونان با فعال ساختن کردهای مخالف ترکیه هدفهای خاصی را دنبال می کنند. سوریه از همسویی راهبردی اسرائیل با ترکیه در تنگنای بی سابقه ای قرار گرفته است و می خواهد از خطر این هم پیمانی بسیار مهم بکاهد، به ویژه که مذاکرات سازش بر سر اراضی اشغالی سوریه، اساسا وابسته به میزان قدرت و نفوذ پایدار طرفین مذاکره است. ارمنستان با بسیج حدود ۳۰ هزار تن از کردهای ساکن این کشور و حمایت از پ.ک.ک بر آنست تا قدری از آلام ارمنیها را بکاهد که از زمان کشتار ارمنیها به دست آتاتورک در ۲۳ آوریل ۱۹۱۵ و اخیرا حمایت نزدیک ترکیه از جمهوری آذربایجان در قره باغ به شدت خشمگین هستند؛ مشی یونان هم جلوگیری از گسترش منطقه تحت نفوذ ترکیه در قبرس و ممانعت از عضویت ترکیه در اتحادیه اروپاست. یونان در آخرین روزهای سال ۱۹۹۹ در شرایطی به نامزدی عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا رضایت داد که این کشور (ترکیه) به یمن بهره برداری از نفوذ اطلاعاتی - اقتصادی اسرائیلیها در منطقه و جهان، پ.ک.ک را تا حد زیادی مهار کرده است و با تقویت احتمال عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، تأسیس دولتی به نام کردستان برای مدت زمان بلندی معلق می شود و در چنین شرایطی کردها، حداکثر خواهند توانست از حقوق متعارف فرهنگی برخوردار باشند.

۴) موقعیت برتر ترکیه پس از جنگ سرد در منطقه

به اعتقاد اسماعیل جم، وزیر خارجه ترکیه، این کشور نیرومندترین نیروهای مسلح منطقه، دیرین ترین دموکراسی، پویاترین اقتصاد منطقه و شانزدهمین اقتصاد بزرگ دنیا را داراست. طبیعی است که در بین کشورهای منطقه، کردهای ترکیه دارای قدرت، وسعت و جمعیت بیشتری هستند و ضعف دولت ترکیه می تواند فرآیند تشکیل یک دولت مستقل کردی را تسریع کند به خصوص که اروپاییان از بسط نفوذ و عملیتهای مخفیانه آمریکا در منطقه ناخشنودند. اما داوری اسماعیل جم هر چند اغراق آمیز است ولی رگه هایی از واقعیت را نیز در بطن خود دارد. ترکیه به یمن بهره برداری و برخورداری از منابع عظیم آبی که در عراق و سوریه امتداد می یابد، عضویت در ناتو (ترکیه بزرگترین ارتش ناتو پس از آمریکا است)، عقد پیمان نظامی - امنیتی با اسرائیل، نامزدی برای عضویت در اتحادیه اروپا، درآمدهای چشمگیر از گردشگری، درآمدهای ترانزیتی (تنگه های بسفر و داردانل و خطوط انتقال انرژی) و مشارکت در پروژه های متعدد جمهوری آذربایجان و

جمهوریهای آسیای مرکزی توانسته است قوی ترین شکل کردها در جهان یعنی حزب کارگران کردستان (P.K.K) را منزوی سازد. شاید اگر ترکیه قادر به مهار جدایی طلبان کرد نمی شد، امنیت منطقه به شکل دیگری رقم می خورد. (۴۱)

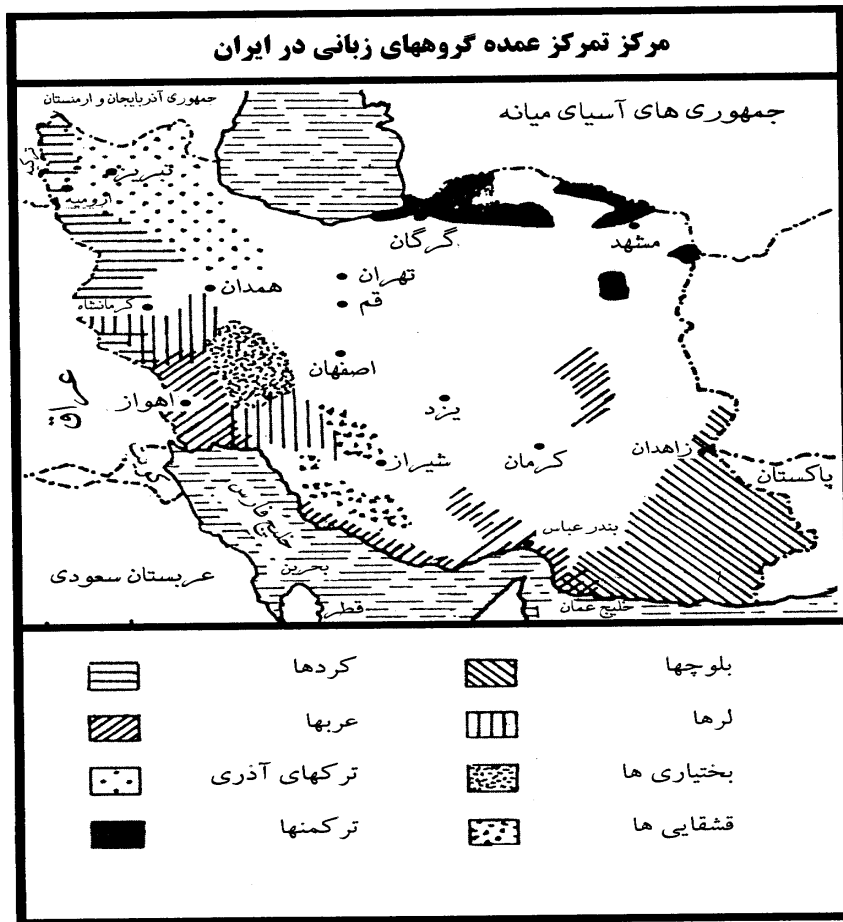
البته اذعان بدین مطلب به مفهوم تصدیق اقدامات وحشیانه ترکیه در مورد کردها نیست بلکه اعتراف به این واقعیت است که دیپلماسی فعال و کارآمد آنکارا در دهه ۱۹۹۰، ایده تأسیس "کردستان مستقل" را با معضل جدی مواجه ساخته است.

نتیجه گیری

تحقیق حاضر با این پرسش آغاز شد که زمینه های مساعد و نامساعد پیدایش دولت مستقل کردستان کدامند و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، چگونه از چنین شرایطی تأثیر می پذیرد؟ در پاسخ بدین پرسش، زمینه های سه گانه، مورد پردازش اجمالی قرار گرفت و از عواملی چون پراکندگی و تنوع کردها در منطقه، اختلافات و کشمکشهای داخلی، بازیگردانی قدرتهای خارجی و قدرت دیپلماتیک مهمترین دشمن کردها یعنی ترکیه به منزله زمینه های بازدارنده استقلال کردها نام برده شد. تا آن جا که به جمهوری اسلامی ایران مربوط می شود، و این استنتاج حاصل می گردد که ایران از دو وجه افتراق مهم در خصوص مسأله کردستان برخوردار است که عبارتند از تمایز مذهبی و پیشینه مبارزه استقلال طلبانه در کردستان، با این توضیح که شکاف مذهبی موجود نیست و این امر به خودی خود امری خطرناک است. همچنین تعارض بین دولت مرکزی و برخی گروههای کرد، پیشینه قابل توجهی دارد و در برخی موارد این تعارض حتی تا مرز تشکیل جمهوری مستقل هم پیش رفته است. این استقلال هر چند که صوری و با کمک خارجی بوده اما به هر حال وجود داشته است. این دو واقعیت گویای حقیقت مهمتری است و آن این که با تحول ترکیب قدرت در منطقه، تلفیق و جذب منطقی کردستان، ضرورتی اجتناب ناپذیر است. با گسترش مرزهای ناتو و اتحادیه اروپا به کناره های غربی و شمالی ایران، اقلیتهای قومی و دینی ممکن است به آسانی دستاویز سیاسی قرار گیرند. این امر به صورت رسمی در مورد آذربایجان ایران جریان دارد و کنگره سالانه استقلال آذربایجان به صورت مرتب برگزار می شود و کارت دعوت این گردهمایی را سفارتخانه های باکو توزیع می کنند.

در خصوص کردستان نیز، با این که مشکلات ایران برای تداوم انسجام و وحدت ملی نسبت به سایر همسایگان کمتر است و کاهش فعالیت استقلال طلبانه حزب کارگران کردستان در ترکیه از حجم این مشکل کاسته است، لیکن شاخصهای توسعه در استان کردستان، مناسب نیست و تداوم این وضع می تواند قوام و ثبات مرزهای غربی را در مقابل تحریک خارجی (متغیر مستقل این تحقیق)، متأثر و متزلزل سازد. هم اکنون مدار تهدید نوینی در محیط امنیت جمهوری اسلامی ایران شکل می گیرد که شامل بخشی از شمال عراق، بخشی از جنوب شرقی ترکیه، بخشی از ارمنستان و جمهوری آذربایجان و بخشی از شمال غربی ایران می باشد. این مدار حاوی ترکیب پیچیده ای از مسایل امنیتی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی است که در قرن آینده همچون کانون بحران، منشأ بسیاری از رخدادهای امنیتی، سیاسی و نظامی خواهد بود.

تبعات همسویی راهبردی اسرائیل - ترکیه، سرنوشت صلح خاورمیانه، ثبات یا بی ثباتی عراق و تحولات داخل ایران هر کدام در حکم یک متغیر، امنیت ملی ایران را متأثر خواهند ساخت. در چنین شرایط مهم و بحران انگیزی، عنایت به معیشت و سرنوشت اقلیتهای مذهبی و قومی، نیازمند تدقیق علمی و سیاستگذاری مبتنی بر شناخت مقدورات و محدودیتهاست. چرا که به نظر می رسد همسایگان آتی ایران، وضع فعلی را نخواهند داشت و هر کدام از آنها عضو یا متحد قدرتهای معارض ایران خواهند بود و از کوچکترین آسیب پذیری امنیتی ایران، بیشترین بهره را خواهند برد.



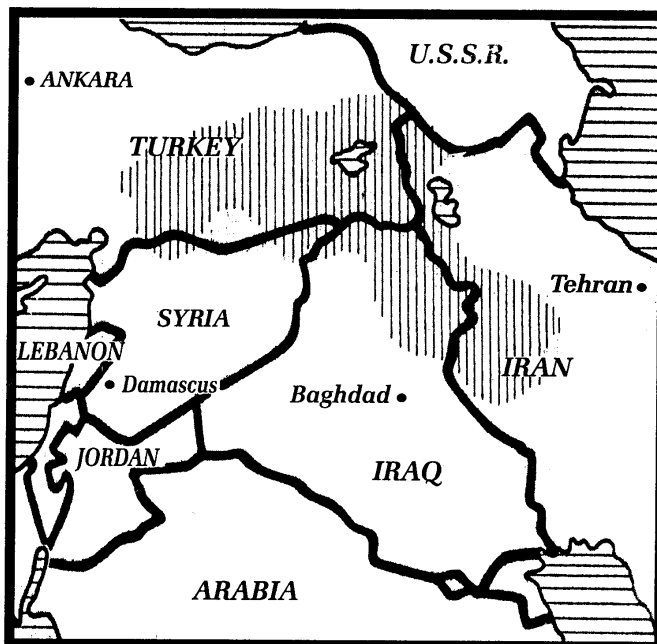
جمعیت و امنیت؛ امکانات و موانع پیدایش دولت کردی در منطقه خاورمیانه

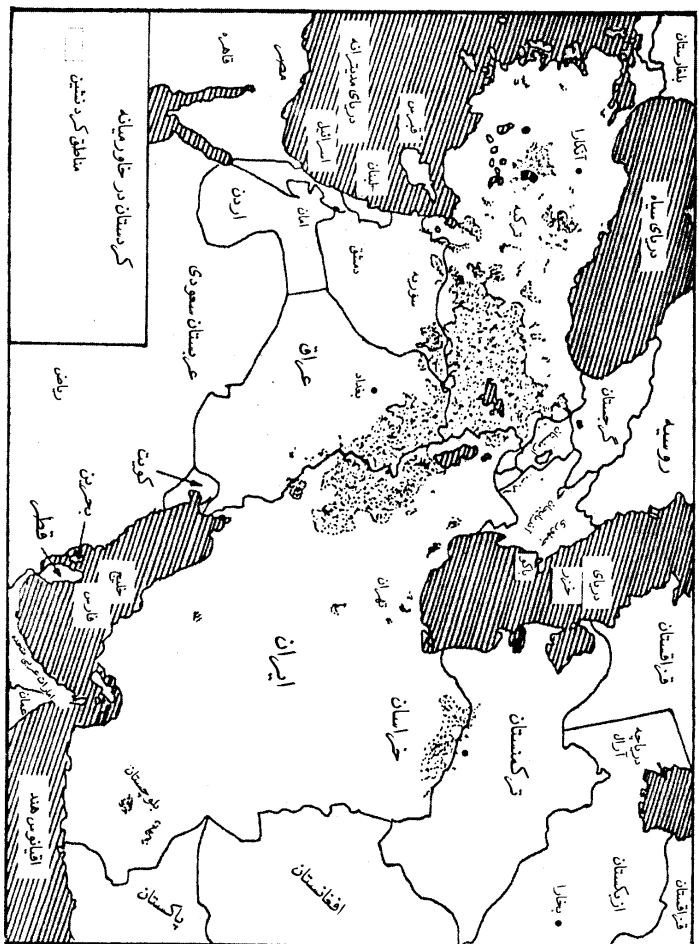




فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره پنجم و ششم، پاییز و زمستان ۱۳۷۸

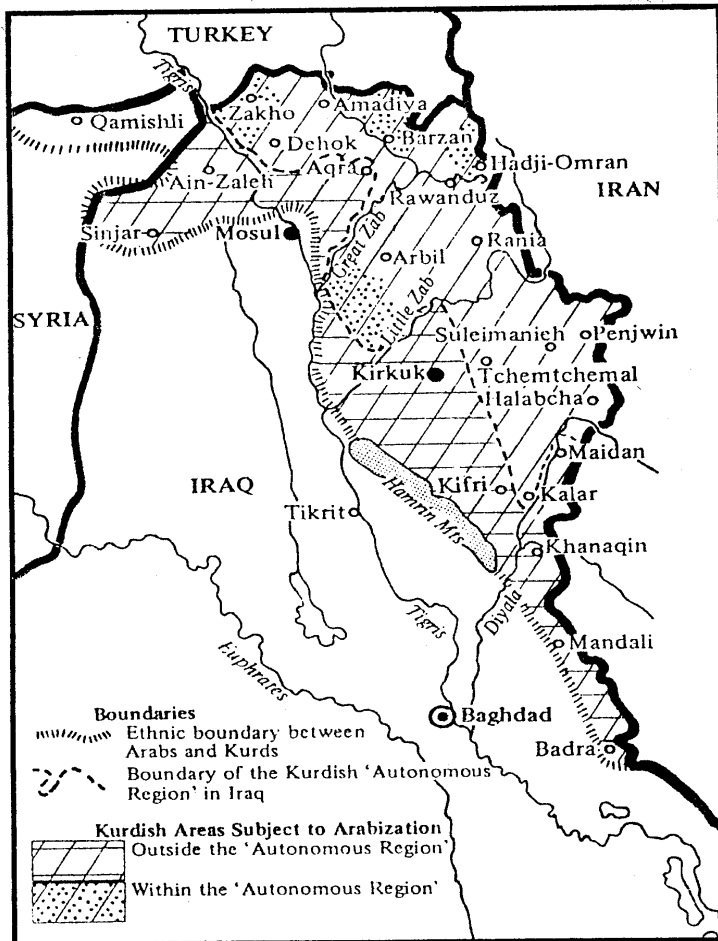
جمعیت و امنیت، امکانات و منابع پیدایش دولت کردی در منطقه خاورمیانه





فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره پنجم، بهار و زستان ۱۳۷۸

جمعیت و امنیت: امکانات و موانع پیدایش دولت کردی در منطقه خاورمیانه



یادداشتها

(۱) نیک منش، بیژن (ویراستار)، گذشته چراغ راه آینده است، پژوهشی از گروه جامی، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۱، ص ۴۹۹.

(۲) میسیون، دیوید. تی، "قومیت و سیاست"، ترجمه پژوهشگرده مطالعات راهبردی، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره اول، (بهار ۱۳۷۷)، ص ۱۲۸.

Lotfian, Saideh, "The Kurdish People: From Confrontation to Coexistence", Arab-Iranian Relation's, Edited by Khair el din Hasseb, (Beirut: Center for Arab unity Studies, ۱۹۹۸) P. ۳۲۳.

Ibid. (۴)

(۵) هفته نامه) ترجمان سیاسی، سال چهاردهم، ۱۳۷۷/۱۲/۱۸، ص ۲۱.

(۶) (روزنامه) همشهری، ۱۳۷۷/۱۱/۲۹.

(۷) (روزنامه) همشهری، ۱۳۷۷/۱۲/۱.

(۸) در اسفندماه ۱۳۷۷، تظاهرات آرام مردم کردستان در اعتراض به دستگیری اوجالان، یکبار با انفجار و شلیک همراه شد. گفته می شود که عناصر نفوذی منافقین در این انفجارها دست داشته اند.

(۹) (روزنامه) ابرار، ۱۳۷۷/۱۲/۲.

(۱۰) گانتر، مایکل، عامل کردی در سیاست خاورمیانه، علی کرمی، تهران، انتشارات مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه، (شهریور ۱۳۷۲)، به نقل از:

Gunter, Michael, "The Kurdish Factor in Middle Eastern Politics", *The International Journal of Kurdish Studies*, Vol ۸, No. ۱-۲, ۱۹۹۵.

(۱۱) فولر، گراهام، قبله عالم: ژئوپلیتیک ایران، عباس مخبر، تهران، انتشارات مرکز، ۱۳۷۳، ص ۵۱.

(۱۲) احمدی، حمید، قومیت و قوم گرایی در ایران، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸، ص ۷۸.

(۱۳) کوچوک، یالچین، خاطرات و اندیشه های عبدالله اوجالان، محمد رئوف مرادی، تهران، انتشارات حمیرا، ۱۳۷۸، ص ۱۲.

(۱۴) همانجا، ص ۲۵.

"The Kurdish People", op.cit. (۱۵)

(۱۶) کندال، عصمت شریف وانلی و مصطفی نازدار، کردها، ابراهیم یونسی، تهران، انتشارات روزبهان، ۱۳۷۰، ص ۹.

(۱۷) قومیت و قوم گرایی در ایران، پیشین، ص ۸۱.

(۱۸) همان جا، ص ۸۱، به نقل از:

Izady, Mehrdad, "A Kurdish Lingua Franca?", *Kurdish Times*, II. no. ۲ (Summe, ۱۹۹۸)

(۱۹) برای اطلاع بیشتر از ریشه ها و شاخه های زبان کردی رجوع کنید به: سنندجی، میرزا شکرالله، کردستان، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۶.

(۲۰) قومیت و قوم‌گرایی در ایران، پیشین، ص ۸۳. همچنین رجوع کنید به: امین زکی، محمد، تحقیقی تاریخی درباره کرد و کردستان، (ترجمه و توضیح) حبیب‌الله تابانی، تبریز، انتشارات آیدین، ۱۳۷۷، صص ۶۷-۴۹.

(۲۱) تبیین مبسوط تاریخ قیام مبارزان کرد در منبع زیر آمده است:

- نیکبختین، واسیلی، کرد و کردستان؛ بررسی از دیدگاه سیاسی، جامعه‌شناسی و تاریخی، تهران، انتشارات کانون فرهنگی درایت، ۱۳۷۸.

- کوچیرا، کریس، جنبش ملی کرد، ابراهیم یونسی، تهران، انتشارات نگاه، ۱۳۷۷.

(۲۲) خاطرات و اندیشه‌های عبدالله اوجالان، پیشین، صص ۹۶-۹۵.

(۲۳) همان‌جا، ص ۲۴۵.

(۲۴) در عالم آرای نادری آمده است که شاه عباس صفوی قریب به ۳۰ هزار خانوار از کردها را کوچانیده و روانه خراسان نموده است. همچنین بارتولد در جغرافیای تاریخی ایران آورده است: شاه عباس برای صیانت مملکت از تاخت و تاز تراکمه و ازبکان تصمیم بدان گرفت که افراد جنگجو را از ولایت غربی بدین سامان کوچ دهد. رجوع کنید به:

- نیک خلق، علی‌اکبر، جامعه‌شناسی عشایر ایران، تهران، انتشارات چاپخش، ۱۳۷۷، ص ۸۸.

(۲۵) مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور (۱۳۷۸) تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۸، صص ۹ و ۵۷.

"The Kurdish People", op.cit. (۲۶)

(۲۷) سالنامه آماری کشور (۱۳۷۸)، منبع شماره ۲۵.

"The Kurdish People", op.cit. (۲۸)

(۲۹) بشیریه، حسین، جامعه‌شناسی سیاسی، پیشین، ص ۲۸۰.

(۳۰) مطالب این قسمت حاصل مصاحبه با دکتر حمید احمدی می باشد. بدین وسیله از حسن همکاری ایشان سپاسگزاری می کنم.

(۳۱) قومیت و قوم گرایی در ایران، پیشین، صص ۲۳۷-۲۳۹

(۳۲) ابوالمحمد، عبدالحمید، مبانی سیاست، تهران، انتشارات توس، بی تا، ص ۲۸۸.

(۳۳) هفته نامه) ترجمان سیاسی، سال چهارم، شماره چهاردهم، ص ۱۲.

(۳۴) براساس یک منبع، از کل جمعیت کشورهای ترکیه، عراق، ایران و سوریه به ترتیب ۲۰ درصد، ۲۰-۱۵ درصد، ۷ درصد و ۶ درصد کرد آنها کرد هستند به نقل از:

- "A Kurdish Lindqua Franca", The Kurds: A Concise Hand Book, Washington, Cran Russak, ۱۹۹۲, p. ۲۰۸.

(۳۵) قومیت و قوم گرایی در ایران، پیشین، ص ۷۸. به نقل از:

- "A Kurdish Lindqua Franca", op.cit, p. ۲۰۸.

(۳۶) کاتم، ریچارد، ناسیونالیسم در ایران، احمد تدین، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۷۱، ص ۷۴.

(۳۷) دیده بانان صهیونیست ها در شمال عراق؛ پژوهشی درباره فعالیت های پنهانی عوامل موساد در کردستان عراق، بولتن صدا و سیما، اسفند ۱۳۷۶، ص ۱.

(۳۸) کالینز دان، مایکل، "مسأله کردها؛ کالبدشناسی یک بحران"، دیدگاه ها و تحلیلها، شماره ۹۹ (اسفند ۱۳۷۴)، ص ۱۴. همچنین رجوع کنید به: بروین سن، مارتین وان، جامعه شناسی مردم کرد، ابراهیم یونسی، تهران، نشر پانید، ۱۳۷۸.

(۳۹) برای اطلاع بیشتر از نقش منافع نامتقارن و متفاوت قدرتهای خارجی در تطویل اختلافات منطقه ای رجوع کنید به:

- سریع القلم، محمود، نظام بین الملل و مسأله صحرای عربی، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳، ص ۱۵۸.

(۴۰) رئوف، عادل، "سیاست ترکیه در قبال شمال عراق پس از جنگ دوم خلیج فارس"، فصلنامه خاورمیانه، (بهار ۱۳۷۷) ص ۲۱۹.

(۴۱) برای اطلاع بیشتر از نقش و نفوذ نوین ترکیه پس از فروپاشی شوروی رجوع کنید به:

- انصاری، جواد، ترکیه در جستجوی نقشی تازه در منطقه، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۳، ص ۲۳.

